



زمینه های حکمت؛ از سکوت و کم خوری تا تواضع و زهد

حکمت به عنوان یک عطیه الهی به کسانی داده می شود که زمینه های آن را در خود ایجاد کرده باشند که یکی از آنها فروتنی و دفع تکبر و خود بزرگ بینی از خود است.

حکمت به عنوان یک عطیه الهی به کسانی داده می شود که زمینه های آن را در خود ایجاد کرده باشند که یکی از آنها فروتنی و دفع تکبر و خود بزرگ بینی از خود است.

به گزارش خبرگزاری مهر، حکمت عطیه ای الهی است که خداوند به پاس عبودیت و بندگی به اندکی از بندگان که تشنه معرفت و جویای حقیقت هستند تقدیم می کند و آنها را از این آب زلال و گوارا سیراب می سازد. هیچ سرمایه دنیوی به ارج و منزلت حکمت نمی رسد بلکه تمام دنیا در مقایسه با آن ناچیز است به این معنا که نیل به حکمت ارزشمندتر از نیل به تمام دنیا است. در اینجا به برخی اعمالی که با حکمت در ارتباط است و زمینه ساز آن است می پردازیم.

- سکوت؛ در یک معنا سکوت و به اندازه لازم سخن گفتن از عوامل زمینه ساز حکمت است. پیامبر اکرم (ص) و دیگر معصومان بر ارزش سکوت بسیار تاکید کرده اند و آن را گنجی گرانبها به حساب آورده اند. در مقابل، پرحرفی را نکوهش کرده اند و آن را نشانه بی خردی انسان دانسته اند. سکوت و به مقدار لازم سخن گفتن در سخنان اولیای دین از اسباب افاضه حکمت قلمداد شده است.

حضرت علی (ع) روایت می فرماید که پیامبر اکرم (ص) در شب معراج از خدای سبحان درخواست کرد خدایا کدامین عمل بهتر است؟ خدا فرمود؛ ای احمد! تو را به سکوت سفارش می کنم. زیرا آبادترین دلها، دلهای صالحان و ساکت هاست و ویران ترین دلها، دلهای کسانی است که در امور بی فایده سخن می گویند. 1 همچنین امام صادق (ع) می فرماید: حضرت عیسی فرمود برای آباد کردن دل، زبانت را نگه دار. 2

- گرسنگی یا کم خوری؛ یکی از اموری که زمینه ساز افاضه حکمت است، کم خوری و چشیدن طعم گرسنگی است. به اندازه نیاز خوردن و کم خوری فایده های بسیاری دارد، هم فایده مادی و هم معنوی دارد. فایده مادی اش صحت و سلامتی انسان از مرضهای گوناگون است که هم انبیا و ائمه از آن خبر داده اند و هم پزشکان آن را تایید کرده اند.

فایده معنوی اش آماده سازی انسان برای درک لذت مناجات با حضرت حق و سرازیر شدن چشمه های حکمت بر قلب آدمی است که بالاتر از هر نعمتی است. کسانی که با عالم غیب در ارتباطند و از اسرار عالم اطلاع دارند خبر داده اند که برای درک مقامات معنوی و چشیدن طعم شیرین حکمت، گرسنگی و کم خوری لازم است.

- تواضع؛ از اعمالی که زمینه ساز تابش نور حکمت در دل انسان است. تواضع و فروتنی است. تواضع یعنی تسلیم و سر فرود آوردن در برابر حق، سرکشی نکردن در مقابل حقوق خالق و مخلوق. یکی از آثار تواضع، معرفت و حکمت است. تواضع و فروتنی نشانه ظرفیت و وسعت روح آدمی است و از آنجا که خدای متعال بخیل نیست و جواد مطلق است، در هر جا ظرفیت بیابد فیض را دریغ نمی نماید. بنابر این، فروتنی وسیله مناسبی برای درک فیض حق و دریافت حقائق جهان است.

حضرت عیسی (ع) فرمود؛ حکمت به واسطه فروتنی آباد می گردد نه به وسیله تکبر و خود بزرگ بینی، چنانکه زراعت در زمین نرم و هموار می روید، نه در کوهستان. 3

- زهد؛ یکی دیگر از زمینه سازی های حکمت، زهد است. زهد بی رغبتی به دنیا و محزون نشدن به جهت از دست رفته ها و خرسند نشدن به گوارائیهای آن است. از امام سجاد (ع) درباره زهد سوال کردند؛ زهد درآیه ای از کتاب خدا آمده همه چیز به دست خداست تا افسوس نخورید بر آنچه از دست شما رفته و به آنچه دارید شادمان نشوید. 4

قرآن کریم به طور مکرر ما را از دل بستن به دنیا و راضی بودن به آن بر حذر داشته است. انبیا و ائمه (ع) از روی آوردن به دنیا و زینت های فریبنده اش به شدت نهی کرده اند. گاهی دنیا را به جیفه تنفرآور تشبیه کرده اند و گاهی به کهنه آلوده به لجن. همه اینها برای

آشنا ساختن ما با عالمي زیباتر و ارزشمندتر است. اگر آدمي هم و غمش را از دنيا و زيورهاي آن مصروف بدارد و به عالمي گسترده تربيندیشد خدا چشم دلش را باز مي کند و معارفي بهجت زا و بس با ارزش به او مي چشاند.

نافع بن عمرمي گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود؛ به حقيقت مي گویم لقمان پیامبر نبود و لکن بنده اي بود که بسيار تفکر مي کرد. در يقين به مقام والايي رسیده بود. خدا را دوست مي داشت در نتيجه خدا هم او را دوست داشت و حکمت را به او ارزاني داشت.

خداوند علم و حکمت را از هر کس خالصانه و صادقانه گام بر دارد، دريغ نمي کند. اگر قابليت از بنده محقق شود فيض حتمي است. در نتيجه اينکه مشاهده مي کنيم که نوع انسانها به مقامات رفيع معنوي نائل نمي آیند، از اين جهت است که شرايط را براي افاضه آن مقامات در خود ايجاد نکرده اند.

مگر ممکن است خدا حکمتي را از بندگان دريغ نمايد که پيامبرانش را براي تعليم آن فرستاده است؟ خودش در آيه 2 سوره جمعه فرموده است: خداوند از ميان بي سوادان و مکتب نرفتگان رسولي را بر انگيخت تا آياتش را تلاوت کند و آنها را از آلودگيها پاک نمايد و به آنها کتاب و حکمت بياموزد.

1- بحار الانوار، ج 77، ص 22

2- بحار، ج 70، ص 110

3- بحار، ج 2، ص 162

4- اصول کافي، ج 2، ص 128